روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان آرژانتین،خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶ • تلفن: ۹۲و۸۸۶۵۴۳۹۰ • نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ • تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۲۰۹۵۹۳ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان سبز تلفن: ۵- ۶۶۲۷۲۱۳۰ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

دوشنبه • ۲۹ آبان ۱۳۹۶ • ۱ ربیع‌الاول ۱۴۳۹ • ۲۰ نوامبر ۲۰۱۷ • سال پانزدهم • شماره ۳۰۱۵ • ۲۰ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۱:۵۰ • اذان مغرب ۱۷:۱۴ • اذان صبح فردا ۵:۱۸ • طلوع آفتاب ۶:۴۶

روزنامه فردا

fardashargh@gmail.com

پرنده آبی

خلیج‌فارس درخشان

• پائولو نسپولی، فضانورد مستقر در ایستگاه فضایی بین‌المللی، فیلمی از زمین در حساب شخصی خود در توییتر منتشر کرد که در آن نشان داده می‌شود ایستگاه فضایی بین‌المللی از فراز خلیج فارس عبور می‌کند. این ویدئو چند روز پیش منتشر شده، اما تعداد بازنشر آن حدود دوهزارو ۵۰۰ بار است. دیدن زمین با سرعت ۴۰ کیلومتر بر ثانیه و از این فضا، حتی به‌صورت فیلم هم شگفت‌انگیز است؛ اما «پائولو نسپولی» ۶۰ساله که پیش‌تر عضو ارتش ایتالیا بوده، این رخداد شگفت‌انگیز را از نزدیک مشاهده کرده است. او پیش از این هم از حساب توییتر خود بارها عکس‌ها و فیلم‌هایی ارسال کرده که با استقبال مواجه شده است. ایستگاه فضایی بین‌المللی در حقیقت ترکیبی از چندین پروژه فضایی است که قبلا از سوی کشورهای مختلف برنامه‌ریزی شده بود.

یک روز عجیب

• **هندوستان تایمز:** هم‌زمان با روز جهانی توالت، یکی از موزه‌ها در دهلی‌نو وسایلی متفاوت را به نمایش گذاشته است؛ وسایلی که به این روز ارتباط خاصی پیدا می‌کند و برای گسترش اهداف سازمان ملل در راستای بهداشت عمومی تلاش می‌کند. روز ۱۹ نوامبر تلاش‌های گسترده‌ای صورت می‌گیرد تا داشتن و استفاده از توالت در جهان به شکل بهتری مورد توجه قرار گیرد. طبق نظر یونیسف، توالت در هند یک مسئله بسیار ضروری است. حدود ۷۰ درصد خانوارهای هندی توالت ندارند و ۹۰ درصد آنها به تلفن‌های همراه دسترسی دارند. سه سال پیش نخست‌وزیر هند، نارندرا مودی، یک وسیله نقلیه بسیار شفاف را راه‌اندازی کرد و قول داد تا سال ۲۰۱۹ برای همه توالت‌ها بسازد. تاکنون دولت به نصب بیش از ۵۰ میلیون توالت در سراسر کشور ۱.۳ میلیاردنفری هند کمک کرده است. این واقعیتی مهم است که بیش از ۴.۵ میلیارد نفر از جمعیت جهان توالتی در منزل خود ندارند، اما در این موزه گنجینه‌ای است که در موزه بین‌المللی سابق توالت در حومه پایتخت هند قرار داشته است. تعداد زیادی از بازدیدکنندگان کنجکاو به طور روزانه در این مکان توقف می‌کنند تا کالاهایی را که طی قرن‌ها برای این ماجرا استفاده می‌شده، ببینند. گلدان‌های اتاق نشیمن و بید و همچنین یک ماشین قرن ۲۱ که در عرض چند ثانیه زباله‌های انسانی را به خاکستر تبدیل می‌کند، در این مجموعه وسایل هستند؛ یک موزه غیرمعمول و یکتا که با هدف آغاز یک مکالمه مفید در مورد بهداشت ساخته شده است.

کارتون خواب

مهدی عزیزی

هجوم خودروهای شخصی و ادامه ترافیک در مناطق زلزله‌زده

آکادمی

معمار بداخلاق

بابک زمانی

رئیس انجمن سکته مغزی

خیلی از زلزله بم نگذشته بود که یکی از استادان طب امر فرمودند مادرخانمشان را که از بم تشریف می‌آورند ویزیت کنم. راستش زبانم لال، ابتدا اصلا تصور نمی‌کردم استاد عزیز ما با آن سن‌وسال مادرخانمشان هنوز در قید حیات باشند. هنگام ویزیت وقتی تعجبم بیشتر شد که فهمیدم ایشان به‌تنهایی در هنگام زلزله در بم بوده‌اند و به‌علاوه علت مراجعه هم به‌هیچ‌وجه به زلزله و حوادث پیرامون آن ارتباطی ندارد. وقتی کار معاینه و ویزیت به دلیلی که آلزایمر هم نبود تمام شد- الان هم به دلیل نسیان اگر بخواهم هم قادر به افشای اسرار بیمار و علت مراجعه نیستم- خانم‌بزرگ به صرافت تعجب من افتادند و اطلاعات ذی‌قیمتی را در ارتباط با آنچه مورد تعجب من شده بود در اختیارم گذاشتند. ایشان با دقت و علاقه‌مندی زیادی که احتمال آلزایمر را به طور کامل مرتفع می‌کرد، فرمودند که روز حادثه زلزله تنها تکان‌هایی را در منزل احساس کرده و حتی فکر کرده‌اند شاید سرگیجه دارند، ولی صبح وقتی از پنجره بیرون را نگاه کرده‌اند متوجه شده‌اند که تقریبا تمام خانه‌های آن کوچه کاملا تخریب شده‌اند و بعد به‌روشنی به یاد می‌آوردند چندده‌سال قبل وقتی ایشان بسیار جوان بوده‌اند معماری در بم کار می‌کرد که به بداخلاقی بیش‌ازحد با کارگران و زیردستان معروف بود. طعم سیلی‌های او به کارگران و دادوبیداد و رگ‌های گردنش در زمان عصبانیت همچنان به‌عنوان نمونه کج‌خلقی و بداخمی مثال زده می‌شد. حالا زلزله بم با همه مصیبتی که برای مردم داشت، بعد از چند دهه لعن و تمسخر، برای استاد معمار کلی فاتحه و پدربیامرزی به‌همراه آورده بود. تنها خانه‌هایی که او با خون دل خود و کارگرانش ساخته بود صحیح‌وسالم سر جای خود مانده بودند. وقتی پزشکان را به‌طورکل مورد هجوم قرار می‌دادند می‌گفتیم اطلاق کلی «پزشکان»، آن هم تنها به تنبیه و تنبه درست نیست. حالا که به‌دنبال زلزله غرب کشور، مهندسان زیر ضربه قرار گرفته‌اند می‌خواهم یک‌بار دیگر این مطلب را تکرار کنم که کاش کسی برود جست‌وجو کند و ببیند کنار قوطی‌کبریت‌های «مهر»بانی که فروریختند خانه‌های کدام معمار نامهربان کرمانشاهی همچنان پابرجاست؟ هیچ تنبیه و توبیخی بدون تشویق و دلگرمی به سامان نرسیده است، به‌خصوص اگر هدف برخورد با سهل‌انگاری و سرهم‌بندی کاری باشد! از زلزله گذشته به نظر می‌رسد بیش از مهر و مهربانی، کشور ما در سایر زمینه‌ها هم به معمارانی بداخلاق، اما درستکار نیاز داشته باشد.

حرف درشت

بررسی چند شایعه رسمی

پوریا عالمی

خبر زیر به‌عنوان یک خبر جدی از طرف رئیس دفتر ریاست‌جمهوری مخابره شده است. با توجه به اهمیت موضوع، ما ستون طنز امروز خود را تعطیل کرده و خبر مذکور را عینا اینجا منتشر می‌کنیم تا ببینیم بعد چه می‌شود: «رئیس دفتر رئیس‌جمهور، درباره برخی شایعات مربوط به سفر رئیس‌جمهور به مناطق زلزله‌زده و اینکه برخی می‌گویند چرا روحانی با مردم دیدار مستقیم نداشته است، گفت: چنین چیزی صحت ندارد، بنده در آنجا حضور داشتم، رئیس‌جمهور از ماشین پیاده شدند، با مردم هم دیدار مستقیم داشتند. وی گفت: ابتدا آقای روحانی از ماشینی که حامل ایشان بود پیاده شدند و تا محوطه‌ای که منازل خراب شده بود هم رفتند و از منازل آسیب‌دیده بازدید کردند و سپس برای صحبت به میان مردم رفتند. وی افزود: هنگامی که ایشان از منطقه آسیب‌دیده بازگشتند و زمانی که می‌خواستند با مردم سخن بگویند، برای اینکه مردم آقای رئیس‌جمهور را ببینند و همچنین برای اینکه صدایشان برسد روی ماشین قرار گرفتند. واعظی تاکید کرد: فیلم‌های سفر موجود است و مردم می‌توانند ببینند».

حرف‌درشت

شایعه دماسنج: وی درباره این شایعه که اگر دمای سالنی ۱۸ درجه نباشد ایشان اعتراض می‌کند که چرا از قبل دمای محیط را باب طبع نکرده‌اند؟ گفت: اصلا این‌طور نیست و ایشان اصلا در سالنی که دما بالاتر یا پایین‌تر باشد نمی‌رود که بخواهد اعتراض کند.

شایعه سانسور: وی درباره این شایعه که ایشان درباره آزادی‌های مدنی و رسانه و مطبوعات شعارهایی دم انتخابات داده بود، پس چی شد؟ گفت: ایشان قول داده که آن شعارها را بدون یک کلمه سانسور در قالب کتاب منتشر کند تا ثابت کند به شعارهایش عمل کرده است. وی همچنین گفت: هر کس دیگری هم می‌تواند این کار را بکند، به شرطی که شعارهای ایشان را بدون سانسور منتشر کند، نه کتاب‌های خودش را. در ضمن مطبوعات درحال‌حاضر به روش انتظامی مدیریت می‌شوند.

شایعه بی‌کاری: وی درباره این شایعه که آمار بی‌کاری تغییر نکرده، گفت: زمان دولت قبل تعریف بی‌کاری را عوض کردند و گفتند اگر کسی هفته‌ای دو، سه ساعت هم کار کند یا خانم‌های خانه‌دار هم شاغل محسوب می‌شوند. با این کار آمار بی‌کاری پایین آمد! خوشبختانه دولت جدید با همان تعریف دارد ادامه می‌دهد. الان چون کارگران زیادی بی‌کار و خانه‌نشین شده‌اند، عملا خانه‌دار محسوب می‌شوند، پس بی‌کاری کم شده است.

شایعه جوانی: وی درباره این شایعه که قرار بود جوان‌گرایی در دولت و مدیران باشد، گفت: واقعا الان همین‌طور است؛ مثل تعریف بی‌کاری. تعریف جوانی را یک کم تغییر دادیم. این‌طوری که اگر کسی بین ۵۰ تا ۷۰ سال داشت، جوان محسوب می‌شود. پس ما الان جوان‌ترین دولت جهان را داریم، طوری که وزیر ارتباطات که سی‌وچند سال دارد، بچه محسوب می‌شود.

شایعه زنان: وی درباره این شایعه که هیچ صندلی مدیریتی به زنان نرسیده است، گفت: اصلا این‌طوری نیست. ما صندلی‌ها را در دولت عوض کردیم و همه صندلی‌های مدیریتی و وزارتی قبلی را دادیم به مسئولان که ببرند خانه و تقدیم خانم‌هایشان بکنند. الان دست‌کم صد صندلی مدیریتی به زنان رسیده است و همه خوشحال‌اند.

هاشور

برای نازنین و تلاش‌های فردی‌اش

مهزاد الیاسی: اولین‌باری که نازنین دیهیمی را دیدم، آخرین روز روزنامه نشاط در سال ۱۳۹۲ بود. ماشاءالله شمس‌الواعظین هنوز آن‌قدر امیدواری داشت که بگوید: «ازتون خواهش می‌کنم مطالبتون رو محض احتیاط، فقط تا یک هفته دیگه نگه دارید»، اما چاپ‌نشدن روزنامه بعد از مدت‌ها سردرگمی، دیگر قطعی شده بود و همه‌مان به رسم یادبود، در دفتر روزنامه، بالاتر از پل کریمخان‌زند جمع شده بودیم تا نشاط را تشییع کنیم. پیش‌شماره مطالب سیاسی و اجتماعی از دست رفته بود، اما ادبیات جهان، گذشت زمان نمی‌شناسد. هنوز می‌شد با متن‌های جمع‌شده صفحه ادبیات روزنامه، حداقل یک فصلنامه چاپ کرد. من که کاره‌ای نبودم و فقط مطلب داده بودم، اما حال روزنامه‌نگارهای ثابت حسابی گرفته بود. در حیاط روزنامه نشسته بودیم و بحث می‌کردیم که چه‌کار می‌شود کرد. یکی از بچه‌ها، خطاب به دختری قدبلند که در بالکن طبقه بالا سیگار می‌کشید، گفت: نازنین بیا اینجا یه‌دقیقه... نازنین دیهیمی با همان حالت همیشگی در چهره که نمی‌شد خواندش، به ما پیوست. بالاخره تصمیم گرفتیم تمام متن‌های ادبی رودست‌مانده را در سایتی منتشر کنیم و نازنین که انگار سرش برای چنین کارهایی درد می‌کرد، پیشنهاد داد برای جلسات هفتگی در خانه او جمع شویم. ماه‌های بعد به تلاش ما برای سرپا نگه‌داشتن سایت سرخ و سیاه و تولید جسته‌وگریخته مطالب جدید گذشت. من و نازنین با وجود دیدارهای هفتگی تقریبا منظم در طول چندماه، هیچ‌وقت با هم صمیمی نشدیم. او همیشه به نظرم دختری غمگین می‌رسید و من احتمالا به نظر او زیادی الکی‌خوش بودم، اما به خاطر دارم که هرچقدر زمان بیشتر می‌گذشت، از میزان اطلاعات و دانش او درباره تقریبا همه‌چیز، شگفت‌زده و شگفت‌زده‌تر می‌شدم.

به خواندن قصه‌های سیندرلایی روزنامه‌نگاران قدیمی؛ از چگونگی سردبیر و نویسنده و خبرنگارشدن علاقه‌مندم، به‌خصوص آنجای روایت که به‌خاطر اعتماد سردبیر کارکشته‌ای برای زدن تیتر، تهیه گزارش یا چاپ مطلبی متهورانه، ناگهان حرفه‌شان در مطبوعات از این‌رو به آن‌رو می‌چرخد و به مرور زمان می‌شوند یک سردبیر و روزنامه‌نگار کارکشته و بنام دیگر که قرار است خودشان، در حکایتی، دست روزنامه‌نگار جوانی را بگیرند و بالا بکشند. نسل ما به این داستان‌ها نرسید. ما انگار زور می‌زدیم یک خاطره شیرین را دوباره زندگی کنیم. روزهای آخر دوران طلایی مطبوعات چاپی بود اما اگر این قصه می‌توانست تکرار شود، ردایی بود دوخته‌شده برای نازنین دیهیمی. بزرگ‌شدن در یک خانواده فرهیخته، کتاب‌خواری بی‌حدومرز، دانش گسترده و تسلط هنرمندانه‌اش به ادبیات، از او موقعیتی یگانه می‌ساخت. اتفاقات زیادی باید دست به دست هم دهند تا یک جامعه، سرمایه‌ای فرهنگی مثل نازنین دیهیمی تولید کند؛ سرمایه‌ای که باید در بستری مناسب، ببالد و متکثر شود. حالا می‌دانیم که فرصت ما اندک بود و در همین فرصت اندک راه پرش او در مطبوعات مسدود شد. تلاش‌های فردی نازنین برای تولید فرهنگ، استعاره‌ای از کوشش برای نفس‌کشیدن در شهری پر از دود و دم بود. تا جایی می‌شود هوای آلوده‌ای که ریه‌ات را اشغال کرده نادیده بگیری، تا جایی می‌توان برای داشتن اکسیژن جنگید. زمانی می‌رسد که وا می‌دهی و تمام.

این‌همه نوشتم و فراموش کردم به مرگ او اشاره کنم. نازنین دیهیمی، مترجم و روزنامه‌نگار، ۲۰ آبان ۱۳۹۶ در ۲۹سالگی در اثر حمله آسم درگذشت و به دنبال سایت سرخ و سیاه نباشید. این سایت دیگر بالا نیست.

روایت

کاهش تنش‌ها در زیر سایه زلزله

سیدحسین مهرآوران . متخصص داخلی و فلوشیپ ریه

۱. در جریان زلزله‌های مرداد ۹۱ در استان آذربایجان‌شرقی، ۱۴ نماینده کنگره آمریکا با ارسال نامه‌ای به رئیس‌جمهوری آمریکا خواستند تا برای کمک به زلزله‌زدگان استان آذربایجان‌شرقی در ایران، قوانین تحریم این کشور را به‌طور موقت تسهیل کند و برای تسهیل در امر کمک‌رسانی به آسیب‌دیدگان زلزله در ایران، یک مجوز کلی صادر کند. امضاکنندگان این نامه تأکید کردند که وضعیت فعلی رابطه با ایران و برنامه اتمی این کشور نباید مانعی در راه کمک‌های انسان‌دوستانه به مردم این کشور ایجاد کند./ فرارو سناتور برنی سندرز ضمن ابراز همدردی با حادثه‌دیدگان زلزله غرب کشور از رئیس‌جمهور آمریکا خواست تا با وجود افزایش تنش‌ها میان دو کشور، سیاست‌های سخت‌گیرانه‌اش را کنار بگذارد و به ایران کمک کند. وی در توییترش نوشت: «خرابی ناشی از زلزله ایران وحشتناک است. من با قربانیان، عزیزان آنها و گروه‌هایی که باید به این فاجعه رسیدگی کنند، ابراز همدردی می‌کنم»./ عصر ایران

پنج سناتور دموکرات آمریکا در نامه‌ای به رکس تیلرسون خواستار تسهیل کمک به زلزله‌زدگان کرمانشاه شدند و عنوان کردند: «ما امروز این نامه را برای شما می‌نویسیم، چراکه زلزله اخیر در ایران بیش از ۵۰۰ کشته برجای گذاشته و به مرگ‌بارترین زلزله سال بدل شده است. برهمین‌اساس، ما شما را ترغیب می‌کنیم که با آسان‌گیری بر محدودیت‌های وضع‌شده برای ایران، اجازه دهید کمک‌های مردمی سریع‌تر به دست آسیب‌دیدگان برسد»./ شرق

۲. آیا حاکمیت سیاسی ایالات متحده آمریکا یک حاکمیت یکپارچه است و تمامی عناصر و نیروهای دخیل، سیاست‌های یکسانی را دنبال می‌کنند و نگاه یکپارچه‌ای را درخصوص مقولات گوناگون ملی- بین‌المللی از آنها شاهدیم؟ آیا تفاوت دیدگاه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و حتی محیط‌زیستی و نحوه تعامل جهانی در دولت ترامپ با دولت اوباما انکارشدنی است؟ آیا اگر امروز به‌جای دولت ترامپ، شاهد استقرار دولت کلینتون یا برنی سندرز می‌بودیم با شرایطی دیگر از اتمسفر پیرامونی برجام مواجه نبودیم؟ آیا اساسا دیدگاه‌های سیاسی مستقل و نگاه‌های متفاوت از دیدگاه‌های حاکمیتی مستقر را در کشورهای گوناگون شاهد نیستیم؟

۳. اگر خصومت دولت آمریکا با نظام جمهوری اسلامی ایران را در چهار دهه از استقرار آن در بزنگاه‌های گوناگون تاریخی بپذیریم، آیا در همین حاکمیت فعلی ایالات متحده جریان‌ها، نیروها و اشخاصی را نمی‌توان یافت که ضمن توجه به عزت، اقتدار و مصالح ملی با آنها در جهت کاهش تنش‌های موجود گام‌هایی هرچند اندک برداشت؟ آیا تقویت دیدگاه‌ها و فرصت‌بخشی بیشتر به نگاه‌های مستقلِ منصفانه‌تر در حاکمیت غیریکپارچه آمریکا درخصوص ایران عزیز و در جهت منافع ملی منافی با میراث مذهبی/ ملی است؟ آیا اگر گروه‌هایی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی یا سایر نیروهای سیاسی فعال، همین گام‌های کوچک - حتی به ظاهر- انسان‌دوستانه از سوی نمایندگان و سناتورهای دولت آمریکا را با ادبیاتی حکیمانه و محترمانه پاسخ دهند، منافی با پیشینه تاریخی و میراث معنوی‌مان است؟ در دنیایی که روزبه‌روز احترام و درک متقابل میان انسان‌ها، به ارزش‌هایی جهان‌شمول‌تر- ولو در کلام- بدل می‌شوند؛ در شرایطی که ایران عزیز روزبه‌روز به بهانه‌هایی جدید تحت اتهاماتی جدیدتر و فشاری مضاعف قرار گرفته و می‌گیرد؛ می‌توان و به گمانم می‌بایست، منطق دیپلماسی را در پس ادبیات و کلامی درخور و رسا به کار ببندیم و از ظرفیت‌های ممکنِ موجود بهره‌ای بیشتر ببریم تا آوای منطقی حرف‌های تنهایمان، در هیاهوی جهانی هفت‌میلیاردی گم نشود.